امتیاز

پنج‌شنبه ۱۶ بهمن ۱۳۹۹
۲۱ جمادی‌الثانی ۱۴۴۲ ● ۴ فوریه ۲۰۲۱
شماره ۳۱۴۲ ● ۸ صفحه

متن میثاق‌نامه روزنامه‌نگاری در سایت روزنامه موجود است

روزنامه فرهنگی، هنری، ورزشی، اجتماعی صبح کشور
صاحب امتیاز و مدیرمسوول:
غلامحسین شعبانی
نشانی: میدان انقلاب - خیابان جمالزاده‌شمالی
پلاک ۲۶۰ واحد ۵

پست الکترونیکی:
info@emtiazdaily.ir
تلفن: ۶۶۵۹۶۸۰۹
آگهی دولتی: ۶۶۵۶۷۷۶۴ - آگهی شهرستان ها: ۶۶۶۵۰۰۹۹
لیتوگرافی و چاپ: ریحان

WWW.EMTIAZDAILY.IR

اخبار

آغاز اجرای آثار رادیوتئاتر و برپایی اولی نشست پژوهشی «تئاتر فجر»

به نقل از روابط عمومی جشنواره، از روز چهارشنبه ۱۵ بهمن، ۱۰ نمایش راه یافته به بخش رادیو تئاتر سی و نهمین جشنواره تئاتر فجر در ۲ نوبت اجراهای خود را در تماشاخانه استاد عباس جوانمرد روی صحنه می برند.

اجرای نمایش‌های رادیویی جشنواره تئاتر فجر از روز چهارشنبه با نمایش رادیو تئاتر «مجلس سیاه و دختر سلطان» آغاز شد. این نمایش‌ها که تا یکشنبه ۱۹ بهمن در ۲ سانس ۱۶ و ۱۸ اجرا می شود، شامل ۱۰ نمایش رادیویی راه یافته به بخش مسابقه سی و نهمین جشنواره تئاتر فجر می شود.

روز چهارشنبه علاوه بر نمایش «مجلس سیاه و دختر سلطان» به کارگردانی عبدالرضا یعقوبی، نمایش «فیش آباد» به کارگردانی سیروس همتی نیز اجرا شد. در روز پنجشنبه ۱۶ بهمن نیز ۲ نمایش «سوزنبان» به کارگردانی محمد رادمهر و «اتاق ۲۴» به کارگردانی داریوش شهبازی اجرای خود را در تماشاخانه جوانمرد به صحنه خواهند برد.

جمعه ۱۷ بهمن نیز نمایش رادیویی «بوسه بر ماه» به کارگردانی الهه جباری و «قهرمان من تویی» به کارگردانی مبین بوی افراز اجرا خواهند داشت. همچنین شنبه ۱۸ بهمن نمایش «سین جیم» به کارگردانی علی بهرامی و نمایش «جزیره ۱۳۰» به کارگردانی علی حسین قلی زاده اجرا دارند. سرانجام در روز پایانی بخش رادیو تئاتر سی و نهمین دوره جشنواره تئاتر فجر یکشنبه ۱۹ بهمن نمایش «چریکه» به کارگردانی مصطفی کولیوندی و نمایش «پست بام» به کارگردانی طیبه صیدمحمدی اجرای خود را برای عموم علاقه مندان به صحنه می برند.

اولین نشست پژوهشی تئاتر فجر برگزار شد

در اولین نشست پژوهشی سی و نهمین جشنواره تئاتر فجر عنوان شد که نباید در زمان چالش درهای تغییر و تحول را به روی تئاتر ببندیم.

اولین نشست پژوهشی سی و نهمین جشنواره تئاتر فجر با موضوع «گشایش فضای عمل جدید تئاتری: بررسی امکانات، تمهیدات و زیبایی شناسی تئاتر در فضای مجازی» سه شنبه ۱۴ بهمن با حضور بهزاد آقاجمالی مجری کارشناس، کیومرث مرادی مدرس دانشگاه و کارگردان تئاتر و یوسف باپیری کارشناس و کارگردان تئاتر در عمارت نوفل لوشاتو تهران برگزار شد.

در این نشست که به موضوع کنش ارتباطی جدید تئاتر در فضای مجازی می پرداخت، کیومرث مرادی با بیان اینکه تئاتر در وضعیت کرونایی می تواند شرایطی را فراهم آورد که در برخی ساختارها بازنگری داشته باشیم، گفت: این موضوع که کرونا وضعیت بحرانی را برای تئاتر ایجاد کرده است قابل انکار نیست اما مهم ظرفیت‌هایی است که از آن چشم پوشی شده است.

وی تصریح کرد: در زمانی که تماشاخانه‌ها در شرایط نرمال هم داشتند به کالا تبدیل می‌شدند و خبری از کرونا هم نبود، باید به سمت ایده برای گذر از این فضا می رفتیم و به سمت اشغال فضایی جدید حرکت می کردیم. ما باید به سمت معماری‌های گذشته در تئاتر برویم و فضای دیگری را خارج از شکل مرسوم امروزی اشغال کنیم.

این کارگردان تئاتر همچنین افزود: ما در گذشته نمایش‌هایی با فضای متفاوت از امروز را نیز داشته‌ایم. شاید در مجموعه دیگرگونه‌های اجرایی می‌توان آن ها را قرار داد. مکان هایی برای اجرا که خارج از فضای مرسوم امروز است مانند سوله‌های متروکه، کارخانه‌های تعطیل و فضاهای خارج از معماری سنتی و مرسوم تئاتر که می توان در آنها اجرا داشت. وی با اشاره به ظرفیت‌های فضای مجازی برای استفاده در تئاتر عنوان کرد: فضای مجازی هم یکی از این موقعیت‌ها است و همه چیز به فضای فیزیکی محدود نمی شود. شرایط و تحول جهان پیرامون ما در عصر حاضر به نحوی پیش می رود که تئاتر مجبور است فضاهای دیگر را تجربه کند و این موضوع روابط فیزیکی مازادی را می سازد. وی ادامه داد: در حال حاضر برخی هتل‌ها که سالن یا فضایی برای اجرا دارند با استفاده از همین ظرفیت می توانند صنعت گردشگری را چه در حوزه داخلی و چه در حوزه بین الملل رونق دهند.

افسانه بایگان:

در صحنه می مانم تا مردم را دلگرم کنم

افسانه بایگان پیشتر در سریال های تلویزیونی چون «سربداران»، «تنهاترین سردار»، «نرگس»، «روز حسرت»، «وضعیت سفید» و «پریا» بازی داشته است. امتداد ایفای نقش او در تلویزیون، این روزها با سریال کمدی «باخانمان» شکل گرفته است که پس از مجموعه «دل» در شبکه نمایش خانگی، جدیدترین سریال این بازیگر محسوب می شود.

بایگان درباره حضورش در یک سریال کمدی، دشواری های کار هنرمندان در روزهای کرونایی، حضور در شبکه نمایش خانگی و علت گرایش مخاطبان نسبت به این مدیوم و آینده تلویزیون توضیحاتی را ارائه داد.

تحت هر شرایطی زندگی تعطیلی ندارد

این هنرمند سینما و تلویزیون درباره دشواری های کار در شرایط کرونا معتقد است: تحت هر شرایطی زندگی تعطیلی ندارد. یکی از اتفاقاتی که در طول این یک سال رخ داد این است که انسان ها از معنویت و همجواری با یکدیگر و تبادل حس و حال معنوی خیلی دور افتادند. وقتی در رفتار آدم ها دقیق می شویم، متوجه می شویم که این مساله آثار مخربی داشته است؛ اما می شود با رعایت کردن فاصله ها و رعایت درست پروتکل ها زندگی را مراقبت کرد که از جریان نیفتد تا این ارتباطات سر جای خودش بماند. وقتی روحیه ی انسان در حالت تنهایی و ترس ضعیف بماند، همین اتفاق سیستم ایمنی بدن را پایین می آورد و فرد را به خیل بیماری ها از جمله کرونا مبتلا می کند.

هنر در شرایط کرونا مستثنی نیست

بایگان در ادامه درباره ی حضور هنرمندان در پروژه ها در شرایط کرونا و خطر ابتلاء به ویروس که بعضا با انتقادهایی هم همراه بوده است، توضیح داد: همان طور که کادر درمان به وظیفه خودش عمل می کند و با جانش بازی می کند، کار ما نیز از این شرایط مستثنی نیست. کادر درمان مگر می تواند بگوید که الان منِ پرستار، من پزشک و ... خدمتی نمی کنم؛ چون جان، عزیز است و خانواده عزیز است. کادر درمان با محبت و عشق هر چه تمام تر خدمت خود را می کند و در این یک ساله بسیار شاهد ایثارگری عزیزانمان بودیم.

خودم را موظف می دانم باشم و مردم را دلگرم کنم

این بازیگر با اعتقاد بر اینکه اتفاقا در این شرایط هنرمندان وظیفه سنگین تری بر دوش دارند، در این زمینه مطرح کرد: وظیفه ما همین است؛ به هر حال در پروژه ها با حضور پزشک و آنقدری که امکانش هست با رعایت پروتکل ها کار کردیم. باید کار کنیم و تا آنجا که از دستمان برمی آید، روحیه مردم را بالا نگه داریم و پرستاری معنوی را آنطور که از دستمان برمی آید انجام دهیم. اصلا اعتقاد ندارم که در خانه بنشینیم. خیلی از عزیزان به خاطر مشکل معیشتی کار نمی کنند. خود من به دلیل علاقه ای که به کار دارم و اینکه خودم را موظف می دانم در این شرایط باشم و مردم را دلگرم کنم و بگویم این همه سال محبت شما را داشتم، امروز سعی می کنیم با حضورمان این محبت را کمی جبران کنیم.

افتادن کمدی در ورطه چاق و لاغری و شوخی های سطحی

این هنرمند درباره ایفای نقش در «باخانمان» و اینکه آیا از دید او این سریال یک کار کمدی است؟ اظهار کرد: سریال «باخانمان» کار متفاوتی است. یک کار کمدی است که با جدیت و دقت به آن نگاه شده است؛ یعنی به هیچ عنوان هیچکدام از عوامل این سریال سرسری و سطحی به تولید این سریال نگاه نداشتند. فیلمنامه توسط آقای برادران به خوبی شخصیت پردازی شده است و ما از حضور حرفه ای آقای برزو نیک نژاد بهره بردیم که هم سابقه درخشانی در زمینه سریال سازی دارند و هم از حوزه فیلم سازی شناخت کافی دارند. نگاه دقیق و عمیقی به این سریال داشتند و این نقطه قوت کار محسوب می شود و آنچه را شاهد هستیم، وامدار حضور ایشان است.

افسانه بایگان تاکید کرد: می شود کار کمدی هم ساخت و با خروجی به همگان ثابت کرد که می توان با نگاه دقیق تر و جدی تری به کمدی نگاه کرد و این مهم است. در سال های گذشته در زمینه کمدی خیلی به ورطه ی بزن و بکوب افتاده بودیم؛ چاق و لاغری و شوخی های سطحی و ... ؛ در حالی که با این نگاه سلیقه مخاطب پایین آورده می شود و در نهایت تلویزیون بیننده خود را از دست می دهد. ولی با کارهای جدی تر و با گروه های حرفه ای تر همانند آنچه که در سریال «باخانمان» شاهد بودیم، توانستیم به یک استاندارد خوبی دست پیدا کنیم و در حقیقت نظر خوب مردم را داشته باشیم.

«باخانمان» با کارهای تلویزیون متفاوت است

این بازیگر درباره ی پذیرفتن حضور در یک سریال کمدی که با ریسک هایی برایش همراه بوده است، توضیح داد: در وهله اول فیلمنامه کار برای من جذاب بود و زمانی هم که با تیم سازنده گفت و گویی داشتیم، متوجه شدم که این کار می تواند، نسبتا متفاوت تر از کارهایی که تلویزیون داشته است، باشد. یکی از ویژگی های تاثیرگذار یک پروژه، ارتباط خوب و سازنده پشت صحنه است که با همدیگر کار می کنند و این از یک مدیریت خوب بر می آید. به نظرم کارگردان و تهیه کننده در این موضوع تاثیر دارند و همیشه به من ثابت شده هر زمان فضای پشت صحنه، فضای درست و خوبی بوده است، خروجی کار برای مخاطب بسیار خوب و جذاب بوده و در سریال «باخانمان» این اتفاق افتاد.

آنچه که در تلویزیون نمایش می دهیم از زندگی واقعی مردم به دور است

بایگان که طی ماه های گذشته در سریال نمایش خانگی «دل» ایفای نقش داشته است، درباره علت گرایش بیشتر مخاطبان به مدیوم شبکه نمایش خانگی، اظهار کرد: تا زمانی که ما یک بام و چند هوا و ملوک الطوایفی در عرصه های مختلف هنر نمایش فعالیت داریم، طبیعی است که این اتفاق می افتد. وقتی معیارها در تولیدات سینمایی به یک شکل، نمایش خانگی به یک شکل و در تلویزیون به یک شکل دیگر است، طبیعتا مخاطب چیزی را انتخاب می کند که به زندگی واقعی اش نزدیک تر است. ما در تلویزیون متاسفانه نمی توانیم در یک خیابان واقعی و با آدم های واقعی دوربین را قرار بدهیم و پلان های کار را بگیریم. به دلیل اینکه آنچه که در تلویزیون نمایش می دهیم از زندگی واقعی مردم به دور است اما در مدیوم نمایش خانگی کمی این خط قرمزها وجود ندارد و فضا بازتر است. قصه ها جذابیت بیشتری دارند و شخصیت ها حقیقی تر هستند.

او در پاسخ به اینکه آینده دو مدیوم تلویزیون و نمایش خانگی را چطور پیش بینی می کند؟ اظهار کرد: آنچه که ما در سالهای اخیر داشته ایم، خود گویاست. نگاهی اجمالی به آمار بینندگان این را نشان می دهد.

«وضعیت سفید» متفاوت و خاص بود

سریال «وضعیت سفید» حمید نعمت الله این روزها با بازی این هنرمند از شبکه آی فیلم بازپخش می شود. بایگان درباره حضورش در این سریال یادآور شد: «وضعیت سفید» هم کار متفاوت و خاصی بود. از یک کارگردان صاحب نام سینمای ایران که خیلی خوب کار را می شناسد و از یک تیم خیلی خوب بهره برده بود. با حساسیت های که داشتند شاهد بازی های خوب و سکانس های خوب بودیم و در مجموع کار خوب و موفقی بود و بارها آی فیلم آن را پخش کرده و مخاطبان نسبت به کار حس خوبی داشتند.

«شیشلیک»؛ مرثیه‌ای بر مهمترین استعدادهای سینمای ایران

امیر ابیلی منتقد و روزنامه‌نگار سینمایی به بهانه رونمایی از فیلم سینمایی «شیشلیک» به کارگردانی محمدحسین مهدویان در ویترین جشنواره سی‌ونهم فیلم فجر، در قالب یادداشتی به نقد و بررسی این فیلم پرداخته است.

متن این یادداشت با عنوان «سقوط آزاد» را در زیر می‌خوانید؛

همین ابتدای مطلب لازم به توضیح است که هرگونه مخالفت و نقد محتوایی با اثر، باید برآمده از «فرم» فیلم باشد. هرگونه تلقی برخورد ایدئولوژیک و فرامتنی با اثر غلط است. اما حتماً فیلمی رادیکال که پر از نشانه‌ها و فکت‌ها و شعارهای سیاسی است لحن منتقد در تحلیل را هم با میزان رادیکال بودن خودش تنظیم خواهد کرد. حتماً لحن و فرم نقد در مواجهه با فیلمی مانند «شیشلیک» با لحن و نوع مواجهه با مثلاً فیلم رمانتیکِ خنثایی مانند «رمانتیسم عماد و طوبی» متفاوت خواهد بود.

پس نقدهای صریح به فیلم جدید محمدحسین مهدویان برآمده از متن خود اثر است و نه از خارج آن. جهان و اتمسفر فیلم خود نوع مواجهه با خود را مشخص می‌کند و فیلمی که به این صراحت به تمسخر همه‌چیز می‌پردازد طبعاً باید با صراحت بیشتری بررسی شود.

ادعای «شیشلیک» نقد حاکمیت است. نقد دروغ، نفاق، ریا و پروپاگاندا. پس طبعاً در دوگانه‌ی مردم-سیستم باید طرف مردم باشد. مردمی که فیلم در جهان خود، در طرب‌آباد، ادعا می‌کند همگی گرسنه‌اند و فقیر. اما آیا فیلم مهدویان دلسوز و غمخوار مردم است؟ خیر. مردم جهان «شیشلیک» مشتی گوسفندند. عده‌ای بی‌شعور که با دَم‌دستی‌ترین شکل ممکن قابل‌مدیریتند. گوش‌شان به فرمان حاکمیت است و مثل حیوان زندگی می‌کنند. بیگاری می‌کشند بدون توقع دستمزد. غذا نمی‌خورند و به آن افتخار می‌کنند. مگر نه این است که فیلمی درباره فقر مردم، با ادعای نقد حاکمیت، باید تصویری همدلانه از مستضعفین ارائه دهد؟ مگر ما نباید ناراحت، نگران و دلسوز کارگرها باشیم؟ پس طبعاً اولین قدم باید ساخت انسان / کاراکترهایی رنج‌کشیده و مصیبت دیده باشد. اما کدامیک از کارگران «کارخانه پشم ایران» طرب‌آباد همدلی مخاطب را برمی‌انگیزند؟ دل‌مان برای کدامشان می‌سوزد؟ آنها که مشتی احمقند که از نداری خود خوشحالند. آنها به فقر افتخار می‌کنند.

فیلم محمدحسین مهدویان قطعاً از منفی‌ترین تصاویری است که سینمای ایران تا امروز از مردم نشان داده. دقت کنید در فیلم حتی یک انسان / کاراکتر دوست‌داشتنی و همدلی‌برانگیز وجود ندارد. حتی مادر خانواده یک هیولاست که ذره‌ای عطوفت و مهربانی ندارد. حتی برای یک لحظه دلش برای دخترش نمی‌سوزد. حتی یک پلان از محبت مادر به فرزند در فیلم وجود ندارد. او حتی عامل بدبختی برادرش هم هست. موجودی منفور و نچسب که طبعاً کسی نمی‌تواند دوستش داشته باشد. یا در سوی دیگر به رفتار پدر- رضا عطاران- توجه کنید. رفتار او در مراسم تشییع پدرش، به عنوان نقطه اوج احساسی برای او، چگونه است؟ در اینجا تصویری جز حماقت او به مخاطب ارائه می‌شود؟ یا رفتار او در رستوران و فریادهایش بر سر بچه‌اش تصویری دوست‌داشتنی از او ارائه می‌دهد یا تصویری منفی و نچسب؟

یا به کاراکتر پژمان جمشیدی در فیلم دقت کنید. در اوج نداری و مصیبت. درست در روزی که دخترش از مدرسه و خودش از کارخانه اخراج شده، مدام در حال تیک‌وتاک و رابطه با خواهر رضا عطاران است و مسئله‌ش برداشتن ابروست. یا خود خواهر رضا عطاران، که هیچگاه هم دقیق نمی‌بینمش، کارکردش در فیلم چیست؟ او زنی خراب است؟ چطور حتی در مرگ پدرش هم ناراحت نیست و مشغول لاس زدن با پژمان جمشیدی است. این‌ها آدمند اصلاً؟! باز دقت کنیم که وقتی شخصیت مادر-ژاله صامتی- با آن شدت تصادف می‌کند اساساً دل‌مان برایش نمی‌سوزد. نگرانش نمی‌شویم. همسر و برادرش نیز با پول دیه می‌روند سراغ شیشلیک‌خوری، بدون اینکه حتی لحظه‌ای در حد ناراحتی گذرا در چهره، نگران وضعیت او باشند. خب اینها چرا هیچ احساسی به هم ندارند؟ مگر اینها از بدیهیات و اصول ابتدایی انسانیت نیست؟ واقعاً باید بپذیریم این تصویر رقت‌انگیز به نفع کارگرهاست؟

در سوی دیگر ماجرا اما نقد مهدویان به سیستم چیست؟ مسئله این است که اساساً تا وقتی مصداقی عینی و جزئی وجود نداشته باشد «نقد» به معنای واقعی آن وجود ندارد، بلکه تعدادی طعنه و توهین و شعار سیاسی است که به اسم «نقد رادیکال» به خورد مخاطب می‌دهیم. مهدویان می‌خواهد تصویری پادگانی از جمهوری اسلامی ارائه دهد. جهانی که در آن مدیران طور دیگری زندگی می‌کنند اما با پروپاگاندا- با تاکید گل‌درشت بر بلندگو و شعارهای روی دیوار- می‌خواهند سبک زندگی دیگری را به مردم حقنه کنند. اما آیا مگر مهدویان خود در همین سیستم فیلم تبلیغاتی انتخاباتی نساخته است؟ یعنی قبول دارد که خود بخشی از این سیستم پروپاگاندا علیه مردم است؟

تناقض دیگر اینکه مهدویان با پول بنگاه اقتصادی اول‌مارکت که سیستم شبه‌بخت‌آزمایی ستاره-مربع را در تلویزیون ایران ایجاد کرد دعو ساخت فیلم درباره گرسنگی و فقر را دارد. در فیلم سکانسی هست که رضا عطاران زندگی واقعی‌اش را تعریف می‌کند و

میهمانان سرمایه‌دار یک باغ به خیال اینکه شوخی و استندآپ است به آن می‌خندند. حالا تصور کنید مهدویان پول فیلمش را از همان سرمایه‌داران خندان گرفته است تا درباره آن شومن فقیر فیلم ترحم‌برانگیز بسازد. فحش بی‌پولی شومن را هم به حاکمیت می‌دهد و نه آن سرمایه‌دارها. البته همینجا هم چندپارگی فیلم مشخص است. نوک پیکان فیلم مگر به سمت سیستم نبود؟ چرا اینجا به یکباره دوگانه فیلم تبدیل شد به کارگر-سرمایه‌دار؟ آیا فیلم تا اینجا به سرمایه‌داری نقد می‌کرد یا سیستم حاکمیتی؟ هیچکدام. چون فیلم اساساً نقدی واقعی ندارد و برای انداختن چند طعنه ساخته شده است. فیلم مهدویان یک کمدی زرد است که مهمترین شوخی‌ش معاشقه دو مرد و بازسازی صوت وایرال‌شده‌ی خانم جلسه‌ای. پس باید در حد ویدئوهای اینستاگرامی با آن برخورد کرد. گرچه پوسته‌ی سیاسی فیلم به آن اعتبار و اهمیتی کاذب می‌دهد. اما بیش از هر چیز «شیشلیک» مرثیه‌ایست برای خود مهدویان، به عنوان یکی از مهمترین استعدادهای سینمای ایران. کسی که در شروع فیلمسازی حرفه‌ای «ایستاده در غبار» و «ماجرای نیمروز» را ساخته بود، حالا چقدر زود به این سطح نازل از فیلمسازی رسید. اصل این است که سینمای ایران در حال از دست دادن یکی از مهمترین جوان‌های خود به عنوان یک کارگردان جریان‌ساز و تبدیل آن به یک تکنسین معمولی است که فقط می‌سازد تا زندگی کند.

جزئیات پخش آنلاین آثار «تئاتر فجر ۳۹»

محسن حسن زاده مدیر روابط عمومی جشنواره تئاتر فجر عنوان کرد ۲ نمایش «جوادیه» و «ایوب خان» برای پخش آنلاین مجوز سازمان سینمایی را دریافت نکرده‌اند.

محسن حسن زاده مدیر روابط عمومی سی و نهمین جشنواره تئاتر فجر در گفتگو با خبرنگار مهر درباره پخش آنلاین فیلم نمایش‌های این دوره از جشنواره که از روز گذشته آغاز شده است، گفت: ضبط فیلم نمایش‌های حاضر در جشنواره توسط رضا حامدی خواه مدیر بخش تله‌تئاتر و گزارش‌های صحنه‌ای جشنواره مدیریت می‌شود و آثار با حضور یک تیم حرفه‌ای در سالن‌های نمایش و با تلاش‌های ۲۴ ساعته برای پخش آنلاین آماده می‌شوند.

وی ادامه داد: خوشبختانه از روز گذشته تا امروز بازخوردهای خوبی هم از مخاطبان دریافت کرده‌ایم. کیفیت مناسب و سهولت دسترسی به آثار از جمله ویژگی‌های این طرح است که باعث سربلندی جشنواره شده است.حسن‌زاده درباره حضور نداشتن یک نمایش در جدول نمایش فیلم تئاترها و فعال نشدن گزینه پخش برخی دیگر از آثار توضیح داد: آثار نمایشی برای حضور در پلتفورم‌ها نیاز به مجوز سازمان سینمایی نیز دارند که این آثار نیز همزمان با تدوین برای دریافت مجوز پخش آنلاین دیده می‌شوند اما نمایش‌های «جوادیه» به کارگردانی رضا بهرامی و «ایوب خان» به کارگردانی امیر دژاکام با وجود تلاش‌هایی که تا این لحظه انجام دادیم موفق به دریافت مجوز پخش نشدند. البته نمایش «ایوب خان» از همان ابتدا در جدول قرار نگرفت اما «جوادیه» با وجود حضور اولیه در جدول موفق به دریافت مجوز نشدوی در پایان صحبت‌هایش یادآور شد: به هر حال مخاطب نمایش‌های زنده با مخاطبانی که آثار را به صورت آنلاین می‌بینند متفاوت هستند. این امکان که یک خانواده بخواهند نمایشی را در اکران اینترنتی تماشا کنند زیاد است و ممکن است برخی از موارد در یک نمایش مناسب دیدن همه افراد نباشد و حتی افرادی که از این طریق اولین مواجهه‌شان با تئاتر را تجربه می‌کنند، دلسرد شوند.

یک فنجان چای داغ

جشنواره ساندنس برندگانش را شناخت

به نقل از ورایتی، جشنواره فیلم ساندنس ۲۰۲۱ شب پیش با اهدای جوایز در مراسمی مجازی از «کودا» تجلیل کرد. این درام خانوادگی بر دانش‌آموزی تمرکز دارد که فرزند یک زوج ناشنواست (عنوان فیلم که خلاصه شده «فرزند یک زوج ناشنواست» اشاره به همین موضوع دارد) موفق شد تا ۴ جایزه؛ جایزه بزرگ داوران، جایزه بهترین کارگردانی، جایزه مخاطبان و جایزه ویژه هیات داوران برای بهترین گروه بازیگران را در بخش رقابتی فیلم آمریکا از آن خود کند. این نخستین بار در تاریخ جشنواره ساندنس است که فیلمی موفق می‌شود تا هر سه جایزه اصلی را در بخش سینمای آمریکا از آن خود کند.

کارگردان فیلم سیون هدر در هنگام پذیرش جایزه فیلم منتخب مخاطبان گفت: امیدوارم این دریچه به سوی مخاطبانی که می‌خواهند فیلم‌هایی از این نوع ببینند، باز شود و فیلم‌های بیشتری درباره ناشنوایان ساخته شود.

«کودا» قبلاً در ساندنس یک رکورد زده بود و آن زمانی بود که استودیو اپل با شرکت در یک مناقصه در شب افتتاحیه جشنواره موفق شد تا حقوق فیلم را به قیمت ۲۵ میلیون دلار از آن خود کند.«تابستان روح» نیز در بخش بهترین مستند به عنوان بهترین فیلم بلند انتخاب شد. این فیلم که توسط احمر تامپسون کارگردانی شده و موفق شد تا جایزه بزرگ هیات داوران و جایزه مخاطبان را از آن خود کند، درباره یک پناهجوی افغان است. جایزه ویژه هیات داوران در این بخش به «یکی برای جاده» اهدا شد که سفر جاده‌ای دو دوست در تایلند را تصویر کرده است. در بخش مستند «فرار» هم جایزه بزرگ داوران در بخش سینمای مستند را از آن خود کرد. در بخش سینمای داستانی جهان برنده بزرگ شب جوایز فیلم «کندو» بود که سه جایزه شامل جایزه بزرگ هیات داوران، جایزه مخاطبان و جایزه کارگردانی را برد. بلرتا باشولی کارگردان فیلم، آن را با تمرکز بر مادری تنها ساخته که پس از ناپدید شدن همسرش در جنگ کوسوو فرزندش را به تنهایی بزرگ می‌کند.

در بخش «نکست» نیز جایزه مخاطبان به «دختر خوشگل من، زیبایی من» اهدا شد.

جایزه مبتکر نیز به انیمیشن «کریپتوزو» اهدا شد.

مراسم اهدای جوایز را پاتون اوسوالت کمدین میزبانی کرد که به صورت مجازی برگزار شد و افراد برنده در مراسمی آنلاین جوایز خود را پذیرفتند و سخنان کوتاهی بر زبان آوردند. هدر در حالی جایزه‌اش را پذیرفت که در خانه در کنار همسر و ۲ فرزندش نشسته بود. تامپسون نیز در حالی که سوار اتومبیل بود تا به کار روزانه‌اش برسد با ناباوری خبر برنده شدنش را شنید.

مانند بسیاری از دیگر رویدادهای زنده، جشنواره ساندنس نیز برای شیوع کرونا نحوه برگزاری این رویداد را که به طور سنتی باید ظرف ۱۰ روز در پارک سیتی یوتا برگزار می‌شد، تغییر داد. این جشنواره به صورت کامل در ۶ روز انجام می‌شود و علاوه بر نمایش فیلم‌ها در پارک سیتی، به صورت مجازی نیز فیلم‌هایش را پخش می‌کند. درایوین سینماهای متعددی در کنار سینماهای هنری و موسسات فرهنگی در کلرادو، هاوایی، اوهایو، نیویورک، تگزاس و پورتوریکو با رعایت پروتکل‌های بهداشتی، فیلم‌ها را پخش می‌کنند.

در برنامه «هفت» مطرح شد؛

فراستی: شکم سیرها می توانند به «شیشلیک» بخندند

به نقل از روابط عمومی برنامه تلویزیونی «هفت»، مسعود فراستی در میز نقد فیلم‌های سی و نهمین جشنواره فیلم فجر درباره فیلم سینمایی «شیشلیک» به کارگردانی محمدحسین مهدویان گفت: این فیلم به حدی توهین‌آمیز است که فقط ضد کارگر و کار نیست بلکه ضد انسان است و برخلاف ظاهر انتقادی فیلم، طرفدار وضع موجود و لمپن بورژواها و دلالان است. من با اجازه دوستان می‌خواهم بگویم کسانی که به این فیلم می‌خندند باید فکری برای خودشان کنند چون وضع شان خیلی خراب است! فقط شکم‌سیران می‌توانند به این فیلم بخندند، شکم‌سیرانی که با پول دلالی و کثیف می‌توانند سرپا باشند. فرم در این فیلم جایی ندارد و در مورد نیمچه تکنیک سطح پایینش بعداً وارد بحث می‌شوم.

محمدتقی فهیم بیان کرد: آقای فراستی، در سینمایی که من بودم اصلاً خنده‌ای نبود. اگر خنده‌ای در کار بود، حداقل می‌گفتم کارگردان چیزی بلد است! چون خنداندن هنر است ولی همین هم نبود و نه تنها نبود بلکه از این خنثی بودن و شارلاتان بازی، تن آدم‌ها به لرزه می‌افتاد و افسرده می‌کند.

فراستی به میان صحبت فهیم آمد و گفت: برای اینکه زهر این فیلم از تنم بیرون رود، به ادبیات رجوع کردم و بخشی از یک کتاب را خواندم و حالم خوش شد وگرنه نمی‌شد. حالا امیدوارم نقد این فیلم، حال‌مان را خوش‌تر کند.

فهیم ادامه داد: وقتی این فیلم را دیدم به نقد خودم درباره «لاتاری» برگشتم و خواندم و دیدم که آن زمان هم خوب متوجه کار کارگردان شده بودم و به نظر من «لاتاری» در واقع پله سقوط آقای مهدویان به شمار می‌آید. تا جایی می‌توان یک فیلمساز را تحمل کرد و بگوییم که در حال بروز خودش است. اگر اولین فیلم یک کارگردان خوب باشد، می‌توان آن را تصادفی تلقی کرد و اگر دومی و سومی خوب شود، فیلمساز راهش را پیدا کرده اما ما باز هم در فیلم دومی و سومی مهدویان در حال تحمل او بودیم. فراستی ادامه داد: من از همان فیلم اول مهدویان، گفتم این جوان سینما را بلد نیست و ادا در می‌آورد؛ مطلقاً نه دنیایی دارد نه تعهدی به سوژه‌هایی که انتخاب می‌کند. تعهد یعنی اینکه کارگردان با سوژه مدنظر در فیلم، مساله داشته باشد.محمدتقی فهیم به فرصت طلبی و افتادن روی ریل سود و پول اشاره کرد و گفت: پله سقوط آقای مهدویان در «لاتاری» است اما من امشب برایش گریه کردم، برای فیلمسازی که کارش تمام شده است و از این به بعد فقط زندگی می‌کند. فیلم خواهد ساخت تا زندگی کند مگر اینکه اتفاق دیگری برایش بیفتد. اما چه فیلمی می‌سازد!؟ اگر سرمایه‌داری جهان پای برخی فیلم‌ها می‌ایستد چون برای نجات خودش است. بنابراین از جایی برای مهدویان گریه‌ام می‌گیرد که در دامی افتاده که به نفع جریانی کار می‌کند که قرار است از این طریق پول به جیب بزنند و آن وقت، فیلم گرسنگی برای ما می‌سازد! در حالی که در «واکسی» مساله‌اش گرسنگی است. آقای ژوله، کنار کسی افتادی که از فضای مجازی و جوک‌های مبتذل و اینستاگرامی، منبعی برای گرسنگی درست می‌کنی!؟ فیلم برای گرسنگی را کسی می‌تواند بسازد که یا گرسنگی کشیده باشد یا به لحاظ تفکر، اهل مطالعه باشد و از طبقه خودش بریده باشد و به نفع اجتماعش همدل شود. بنابراین ما نمی‌توانیم در مورد فرمش صحبت کنیم چون فرمی ندارد. در واقع فرم این فیلم به نفع خالی کردن جیب مردم است. وقتی فیلمساز گرسنگی را نمی‌شناسد، کاراکتر اصلی فیلم شعار می‌دهد «من شیشلیک نخورده‌ام!» و بعد سینی پر از خرما را جلوی عکس پدرش می‌گذارد که قیمتش سه برابر یک سیخ شیشلیک است. شاهین شجری کهن نیز بیان کرد: من در این مورد با شما موافق نیستم چون ما در کشورمان مظاهری داریم که تنگاتنگ یکدیگرند. ایران و جامعه امروز ایران، یک مورد مطالعاتی بسیار پیچیده است و امثال من با این مایه سواد و تجربه نمی‌توانند حکم صادر کنند. اگر می‌گوییم سفره خالی است، سفره خالی است و سفره‌هایی نیز کوچک‌تر شده‌اند اما در عین حال طبقه متوسط داریم و بورژوازی بسیار قوی است. من به محمدحسین مهدویان بدبین نیستم و در ابتدای مسیرش، به او خوشبین بودم و چیزهای خوبی هم دیدم و من هم فکر می‌کنم از «لاتاری» رویکرد دیگری از او شروع شد که محل قضاوتش نیست و اطلاعات کافی در موردش ندارم اما آنچه که می‌بینم، این است که کسانی درباره کارگر یدی و عرق ریخته و زحمت کشیده فیلم می‌سازند که تنشان بوی قرعه‌کشی اینستاگرامی و اسپانسر می‌دهد و اشکال از اینجا شروع می‌شود.

وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات
سازمان فناوری اطلاعات ایران

فراخوان (۹۹/۹)
خدمات مشاوره استقلال لایه خدمات شبکه ملی اطلاعات و رفع وابستگی های کلیدی
شماره فراخوان در سامانه ستاد (۲۰۹۹۰۰۱۰۱۱۰۰۰۰۱۲)

سازمان فناوری اطلاعات ایران در نظر دارد فراخوان خدمات مشاوره استقلال لایه خدمات شبکه ملی اطلاعات و رفع وابستگی های کلیدی به شماره فراخوان (۹۹/۹)و شماره فراخوان در سامانه ستاد (۲۰۹۹۰۰۱۰۱۱۰۰۰۰۱۲) را از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) برگزار نماید. کلیه مراحل برگزاری فراخوان از دریافت و تحویل اسناد تا تهیه فهرست مشاوران دارای صلاحیت، ارسال درخواست پیشنهاد (RFP)، ارائه پیشنهاد مشاوران و بازگشایی پاکت ها از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی (ستاد) به آدرس www.setadiran.ir انجام خواهد شد. لازم است مشاوران در صورت عدم عضویت قبلی ، مراحل ثبت نام در سایت مذکور و دریافت گواهی امضای الکترونیکی را جهت شرکت در فراخوان محقق سازند. تاریخ انتشار فراخوان در سامانه ستاد تاریخ ۹۹/۱۱/۱۵ می باشد.

مهلت زمانی دریافت اسناد از سایت: تا ساعت: ۱۸:۰۰ روز شنبه مورخ:۹۹/۱۱/۲۵
مهلت زمانی ارسال پیشنهاد : تا ساعت: ۱۸:۰۰ شنبه مورخ:۹۹/۱۲/۰۲
زمان بازگشایی پاکتها: ساعت: ۱۰:۰۰ صبح روز یک شنبه مورخ:۹۹/۱۲/۰۳
اطلاعات تماس دستگاه مناقصه گزار جهت دریافت اطلاعات بیشتر در خصوص اسناد فراخوان: آدرس خیابان شریعتی نرسیده به پل سیدخندان ورودی شماره ۲۲ سازمان فناوری اطلاعات ایران.طبقه‌دوم اتاق ۲۱۱ و تلفن کارشناس قراردادها :
۸۸۱۱۳۲۹۰– تلفن کارشناس فنی پروژه :۸۸۱۱۵۶۵۸و۸۸۱۱۵۹۰۳
اطلاعات تماس سامانه ستاد جهت انجام مراحل عضویت در سامانه : مرکز تماس: ۴۱۹۳۴-۰۲۱
دفتر ثبت نام: ۸۸۹۶۹۷۳۷ و ۸۵۱۹۳